

تحلیل مستندات قرآنی حرمت ازدواج سفید

----- سعید داودی لیمونی* - الهام خاضعی نیا**

چکیده

در سال‌های اخیر در برخی از جوامع اسلامی، به پیروی از فرهنگ غرب، روابط جنسی خارج از چارچوب شرعی و قانونی بین زن و مرد در قالب پدیده‌ای به نام ازدواج سفید رواج یافته است. این نوع رابطه در جامعه، باعث ناهنجاری‌ها و تبعات سوئی در نظام خانواده و اجتماع شده است. حقیقت ازدواج سفید، همان دوست پسر و دوست دختر داشتن بدون رعایت ضوابط شرعی و قانونی که معمولاً به صورت مخفیانه صورت می‌گیرد، است. این نوع ارتباط در زمان جاهلیت با عنوان «اتخاذ خدن» معمول بوده است. قرآن کریم از این نوع ارتباط نهی کرده و آن را به رسمیت نشناخته است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، با مراجعه به آیات قرآن و استفاده از تفاسیر، دقت در شأن نزول آیات از جمله آیات ۲۱ و ۲۵ سوره نساء و آیه ۵ سوره مائده و با تطبیق آن بر آنچه که امروز به عنوان ازدواج سفید مطرح، مستندات قرآنی عدم صحت چنین ازدواجی بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: نکاح، ازدواج سفید، اخدان.

قرآن پژوهی

سال دوم / شماره ۵ / پاییز ۱۴۰۱

* استادیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (saeeddavodee@gmail.com).

** دانش‌پژوه سطح ۴ موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (خواهران)، رشته تفسیر تطبیقی؛ (e.khazeinia@gmail.com).

مقدمه

هم‌باشی یا ازدواج سفید در ایران با توجه به فرهنگ در حال تغییر جامعه ایرانی و ویژگی‌های آن، یعنی رشد فردگرایی، مدرنیته، روابط سیال و شکاف و تضاد ارزشی، در حال گسترش است. عوامل مختلفی مانند تغییرات اقتصادی و پیدایش ناامنی شغلی، تغییرات فرهنگی و ضعف اخلاقی و ورود پدیده‌های مربوط به شهرنشینی که منجر به گمنامی در شهر شده، همچنین تغییرات در ساخت خانواده و پیدایش روابط مقطعی، از مهم‌ترین دلایل روی‌آوری به ازدواج سفید در ایران بوده است. در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده و ارتباط این نوع ازدواج با انواع دیگر ازدواج‌ها، مورد مقایسه قرار گرفته است.

اگرچه آیاتی از قرآن درباره ازدواج نازل شده است و این آیات در تفاسیر گوناگون مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما به دلیل جدیدبودن مسأله ازدواج سفید، تحقیق مستقلی در این مورد با ابتنا بر مستندات قرآنی انجام نگرفته است؛ هرچند مقالاتی پیرامون این موضوع ارائه شده که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود: مقاله «بررسی تفاوت‌ها و هم‌سویی‌های ازدواج سفید با نکاح معاطاتی از منظر فقه امامیه» از علیرضا جعفرزاده کوچکی و فاطمه صدیقی؛ مقاله «ماهیت، مشروعیت و آثار ازدواج سفید»، از جعفر ارجمنددانش، اصغر عربیان و سیدمحمدرضا آیتی؛ مقاله «بررسی تفسیری "اتخاذ اخدان" در آیات قرآن کریم»، از مهدی رفیعی موحد؛ مقاله «زندگی مشترک زن و مرد بدون عقد ازدواج»، از محسن اراکی؛ مقاله «پذیرش ابعاد حقوقی ازدواج سفید»، از زهرا مینوئی و... . اگر چه در تمامی این آثار، بحث ازدواج سفید مطرح شده اما آنچه در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته، استفاده از مستندات قرآنی، جهت اثبات ممنوعیت ازدواج سفید است که در تحقیقات پیشین دیده نمی‌شود.

در این پژوهش، پس از مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی، مبنای گزاره‌های قرآنی بر «اعتبار سنجی احکام»، بیان شده و از طریق قاعده الغای خصوصیت، به تبیین آیاتی پرداخته می‌شود که از آنها نااعتباری ازدواج سفید به دست می‌آید.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. نکاح

به ازدواج در زبان عرب نکاح گفته می‌شود. جرجانی در تعریف نکاح می‌گوید: «نکاح به معنی ضم و انضمام است. گفته می‌شود: "تَنَكَحْتُ الْأَشْجَارَ؛ إِذَا انْضَمَّ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ" یعنی هرگاه درختان به هم پیوسته باشند.» (جرجانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۴۶). عده‌ای از لغت‌شناسان معتقدند نکاح در لغت به معنای وطی و جماع است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۲۶؛ جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۱۳؛ طریحی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۳۶۹) و مجازاً به معنای عقد نکاح به کار رفته است (جوهری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۰۳).

اما راغب اصفهانی می‌گوید: «نکاح در اصل برای عقد بوده و سپس به‌طور استعاره برای هم‌بستری مورد استفاده قرار می‌گیرد و محال است که اول برای جماع وضع شده باشد و پس از آن به استعاره در عقد به کار رفته باشد؛ زیرا نام‌های جماع همه کنایات اند و عرب تصریح به آن را قبیح می‌داند و این غیر ممکن است که با لفظ قبیح از غیر قبیح تعبیر آورند؛ به این معنا لفظی که برای جماع وضع شده را در عقد خواندن به کار برده باشند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳).

آیت الله مکارم شیرازی در کتاب النکاح می‌نویسد: ارباب لغت و فقها در معنی کلمه نکاح شدیداً اختلاف دارند و این اختلاف بر محور چهار قول دور می‌زند: الف. حقیقت در عقد است (نکاح یعنی عقد نکاح)؛ ب. حقیقت در آمیزش جنسی و وقوعه است؛ ج. مشترک بین عقد و وقوعه است؛ د. در هیچ‌کدام حقیقت نیست و این معنی مجاز است و بعضی گفته‌اند که معنای حقیقی آن «اختلاط» (مخلوط شدن) است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۴).

ایشان پس از آنکه می‌نویسد: «ما کاری به معنی لغوی نداریم و سراغ معنی شرعی می‌رویم، البته نمی‌خواهیم ادعا کنیم که در نکاح، حقیقت شرعی‌ای داریم؛ بلکه می‌خواهیم بینم در لسان شرع، نکاح منصرف به چیست و حقیقت در چیست؟» و با توجه به اطراد و عدم اطراد که از علائم چهارگانه حقیقت و مجاز است، نتیجه می‌گیرد که: «در قرآن^۱ در تمام موارد، نکاح به معنی «عقد» به کار رفته است و از این استعمالات، ذهن انس پیدا می‌کند که نکاح به معنی عقد است.» (همان،

۱. از جمله آیاتی که از آن‌ها استنباط می‌شود نکاح به معنی عقد است: «... وَانكحوا الایامی منكم...» (نور: ۳۲)؛ «... وَابْتَلُوا الْبیتامی حتی إذا بلغوا النکاح...» (نساء: ۶)؛ «فَانكحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنی وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» (نساء: ۳)؛ «إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ...» (احزاب: ۴۹).

ص ۱۵).

نتیجه آن که نکاح در لسان قرآن به معنی عقد است و آن عقدی است که رابطه جنسی را مجاز می‌کند. بنابراین در نگاه قرآن، اعمال این گزینه جنسی در مرد و زن که امری فطری است، تنها با عقد مخصوص نکاح مشروعیت می‌یابد.

۲. ازدواج سفید (همباشی)

ازدواج سفید در فرهنگ لغت آکسفورد به معنای ارتباط جنسی بدون ازدواج قانونی (هم‌باشی) آمده است (آزاد ار مکی، ۱۳۹۱). همچنین در مورد ازدواج سفید یا هم‌باشی گفته شده؛ به معنی شروع و تشکیل پیوند زناشویی بین یک زن و مرد، بدون لحاظ چارچوب قانونی، حقوقی، شرعی و عرفی می‌باشد. باید توجه داشت که در اینگونه روابط، هیچ تعهد، تضمین و مسئولیتی تعریف نشده است؛ به این دلیل شخص می‌تواند به دلخواه، رابطه را به هم بزند و ضرر و زیانی را هم تقبل نکند. در نتیجه فرزندان چنین ازدواج‌هایی بیشترین لطمه را خواهند خورد. زیرا این ازدواج در جایی ثبت نمی‌شود و سرنوشت آنان پس از تولد مشخص نیست و از حقوق اجتماعی، مانند تحصیل و داشتن شناسنامه محروم شده و از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد (احمدی، ۱۳۹۷، ص ۹۴-۱۰۸).

تحقیقات نشان می‌دهد که در اغلب کشورهای غیر اسلامی، ازدواج سفید رواج داشته و درصد بالایی از جوانان، هم‌خانه دارند. اما در بسیاری از کشورهای اسلامی، هم‌خانگی بدون اجرای عقد نکاح، جرم می‌باشد. مثلاً در قانون کشوراندونزی، دو سال زندان به دنبال دارد (ارجمند دانش، آیتی، عربیان، ۱۳۹۷، ش ۴).

ذکر این نکته ضروری است؛ با توجه به تعریف ازدواج و انواع آن در اسلام، به‌کاربردن اصطلاح ازدواج برای ازدواج سفید و یا هم‌باشی نوعی تساهل است؛ چرا که از نگاه شریعت اسلامی این نوع باهم‌بودن اساساً ازدواج نامیده نمی‌شود.

ب. مبنای گزاره‌های قرآنی بر اعتبار سنجی احکام

همان‌طور که می‌دانیم گزاره‌های قرآنی، هم‌ناظر به نزول و شأن نزول می‌باشند و هم‌دارای کلیت معنا هستند. یعنی آیات فراوانی از قرآن بر پایه حل مشکل و در پاسخ به سؤال نازل شده‌اند که در زمان پیامبر اتفاق افتاده است؛ این‌گونه مسائل که اسباب نزول نامیده می‌شوند، موجب درک صحیح‌تر و عینی‌تر آیات است. اما بر اساس قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد»، می‌توان با الغای خصوصیتی که در اصل حکم دخالت ندارند، به فهم عام آیه رسید و آن را کشف

نمود و بر اساس آن، آیات مربوطه را تفسیر کرد و بر مصادیق جدید تطبیق داد (اسدی نسب، ۱۴۰۱، ص ۶۸). امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: اگر این‌طور باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شد و پس از آنکه همان قوم مردند آن آیه نیز بمیرد، از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند و لیکن همه قرآن تا آسمان‌ها و زمین هست، جاری بوده و برای هر قوم، آیه‌ای است که آن را می‌خوانند و از آن بهره نیک یا بد می‌برند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۱).

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: نظر به اینکه قرآن کتابی است همگانی و همیشگی، در غایب ماندن حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود؛ مثلاً آیاتی که در شرایطی خاص برای مؤمنین زمان نزول تکالیفی بار می‌کنند؛ مؤمنینی که پس از عصر نزول دارای همان شرایط هستند؛ بی‌کم و کاست همان تکالیف را دارند و آیاتی که صاحبان صفاتی را ستایش یا سرزنش می‌کنند، یا مژده می‌دهند یا می‌ترسانند؛ شامل کسانی است که به آن صفات متصف‌اند؛ در هر زمان و در هر مکانی که باشند. بنابراین هرگز مورد نزول آیه‌ای مخصوص آن آیه نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۷۰ و ۷۱).

با توجه به این اصل، در این پژوهش ابتدا شأن نزول آیات مربوطه و تفسیر آن بیان می‌شود تا به کمک اصل الغای خصوصیت، ارتباط آیات با مسأله ازدواج سفید و حکم آن مورد بررسی قرار گیرد.

ج. تناسب ازدواج سفید با اتخاذ اخدان

اخذان جمع خدن است و به معنای مصاحبت و همراهی و هم صحبتی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۶۳). فراهیدی می‌گوید: در زبان عرب به کسی که دوست و هم‌سخن با جنس مخالف است، «خدن الجاریه» گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۳۲). راغب اصفهانی می‌نویسد: کلمه اخدان بیشتر در موردی استعمال می‌شود که مورد و انگیزه دوستی، شهوت جنسی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷). در مجمع البحرین، خدن به معنای دوست پنهانی برای رابطه نامشروع دانسته شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۸۴). برخی از لغویون نیز ریشه اصلی آن را دوستی پنهانی می‌دانند (مصطفوی، ج ۳، ص ۲۸ و ۲۹).

برای اخدان در تفاسیر نیز معانی مطرح شده که غالباً نزدیک به هم می‌باشند. از جمله قرطبی می‌گوید: «متخذان اخدان، اصدقات علی الفاحشه» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۴۳). در تفسیر شُبر، اخدان به معنای دوستان از جنس مذکر تعریف شده که با زنان و دختران در خفا زنا می‌کنند (شبر، ۱۴۱۲، ص ۱۱۲).

مسأله «اختدان» در آیات ۲۵ سوره نساء و ۵ سوره مائده مورد توجه قرار گرفته است.

۱. آیه ۲۵ سوره نساء

خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَثْوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «و هر که را توانایی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس، از کنیزان مؤمنه که مالک آن شدید به زنی اختیار کند. خدا آگاه‌تر است به (مراتب) ایمان شما که شما اهل ایمان بعضی از جنس بعضی دیگرید (و همه مؤمن و در رتبه یکسانید)، پس با کنیزان مؤمنه با اذن مالکشان ازدواج کنید و مهر آنها را به طرز پسندیده بدهید، کنیزانی که عقیف باشند نه زناکار و رفیق و دوست‌باز، پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر زند بر آنها نصف عذاب (یعنی حد) زنان پارسای آزاد است. این حکم درباره کسی است که بترسد مبادا به رنج افتد و صبر کردن برای شما بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است.»

این آیه بیست و پنجم سوره نساء است. سوره نساء از نظر ترتیب نزول، بعد از سوره ممتحنه قرار دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۳) و سومین سوره طولانی قرآن پس از بقره است. این سوره به دلیل بحث‌های فراوان آن در مورد احکام و حقوق زنان، «نساء» نامگذاری شده است (همان). جمعی از مفسران معتقدند که در زمان جاهلیت، مردم عقیده داشتند که تنها زنا‌ی آشکار ناپسند است و اما انتخاب دوست پنهانی و برقراری ارتباط جنسی با او مانعی ندارد و زنا محسوب نمی‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۳۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۴) که آیه در صدد نهی از آن است. بنابراین در این آیه خداوند هر دو دسته (زنا‌ی آشکار و ارتباط پنهان) را مورد خطاب قرار داده و هر دو عمل را با صراحت حرام دانسته است.

دیدگاه‌های تفسیری آیه

در بررسی پیشینه ازدواج، به دست می‌آید که در عصر جاهلیت، ازدواج به چند صورت رواج داشته که اسلام با اکثر آنها مخالفت کرده است.^۱

۱. مانند نکاح المقت (نساء: ۲۲)، نکاح البدل (احزاب: ۵۲)، نکاح الجمع (نور: ۳۳)، نکاح الخدن (نساء: ۲۵)،

یکی از آن موارد، "نکاح الخدن" است. در این نوع نکاح (ازدواج)، برخی از مردان به برقرار کردن روابط پنهانی با زنان می‌پرداختند. این نوع نکاح نه تنها مستلزم مهر و نفقه نبود، بلکه به جهت آنکه در خفا صورت می‌گرفت، مورد تقبیح هم واقع نمی‌شد. (نوری، ۱۳۵۴، ص ۶۰۵؛ وکیلی، ۱۳۷۰، ص ۶۵) خداوند در رد این نوع نکاح، در آیه ۲۵ سوره نساء، از ازدواج با دو دسته از زنان منع کرده است: «مسافحات» و «متخذات اخدان».

همان‌گونه که بیان شد، «اخذان» جمع «خدن»، به معنای دوست و رفیق است و بیشتر در مورد کسی استعمال می‌شود که از روی شهوت، رفیق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷). علامه طباطبایی می‌گوید: این واژه به «مذکر» و «مؤنث» هر دو اطلاق می‌شود؛ یعنی هم به دوست مرد «خدن» گفته می‌شود و هم به دوست زن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۳)؛ ایشان معتقدند: «اگر کلمه خدن به صیغه جمع آمده، به دلیل آن است که در دلالت بر کثرت تصریح داشته باشد و بفهماند وقتی کسی به منظور زناکردن، دوستی بگیرد؛ به او و مثل او قناعت نمی‌کند. چون نفس آدمی حریص است. پس حتماً دوستان زیادی را برای فحشا می‌گیرد.» (همان).

در روایتی از علی بن ابراهیم آمده است: «وَلَا مُتَّخِذَاتِ اخْدَانٍ اٰی لَا تَتَّخِذُهَا صَدِیْقَاتًا»؛ یعنی آن زن را به عنوان معشوقه [بدون آنکه قصد ازدواج داشته باشد]، قرار ندهد (برازش، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۳۲).

ابن عباس در تفسیر آیه می‌گوید: «مردمی در جاهلیت بودند که زنا را حرام می‌شمردند ولی زنا را پنهان را جایز می‌دانستند. خداوند از زنا را آشکار و پنهان، هر دو منع فرمود. بنابراین: "غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ اخْدَانٍ" یعنی آن زنانی که از زنا آشکار و پنهان خودداری می‌کنند.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۰۷؛ کیهارسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۳۳).

مرحوم طبرسی در ذیل آیه می‌نویسد: «گروهی در زمان جاهلیت بودند که زنا را علنی را بد می‌دانستند و تقبیح می‌کردند؛ اما گرفتن دوست پنهانی و ارتباط داشتن با وی را منع نمی‌کردند.» (طبرسی، همان، ج ۲، ص ۳۴).

فخررازی نیز در مورد این آیه می‌گوید: «در زمان جاهلیت، برخی از زنان و مردان به‌طور مخفیانه

تعدد نامحدود زوجات (نساء: ۳)، ازدواج هم‌زمان با دو خواهر (نساء: ۲۳) که خداوند از همه این ازدواج‌ها منع کرده است. مثلاً در مورد نکاح المقت گفته شده: مقت یعنی بغض شدید نسبت به کسی که می‌بینی مرتکب کار قبیح است. مقت به معنی ممقوت است یعنی: نکاح زن پدر که کاری بس قبیح و مبعوض خدا و راه و رسم بدی است. در جاهلیت نکاح نامادری را نکاح المقت می‌گفتند ظاهراً مراد از آیه مبعوض واقعی است نه نقل قول آنها (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶: ص ۲۶۴).

با یکدیگر دوست می شدند و زنا می کردند؛ مردم نیز فقط به حرمت زنا آشکار معتقد بودند، ولی زنا پنهانی را جایز می دانستند.» (رازی، بی تا، ج ۱۰، ص ۶۳).

تفسیر شتر، اخدان را به دوستان از جنس مذکر تعریف کرده است که در خفا با دختران و زنان، زنا می کنند (شبر، ۱۴۱۲، ص ۱۱۲). جرجانی نیز در تفسیر «و لا متخذان اخدان» می گوید: آنکه زناکاری به طریق پنهانی نباشد؛ زیرا که «اخدان» جمع «خدن» است و آن به معنی: دوست پنهانی و متبادر از گرفتن دوست پنهانی، زنا پنهانی است (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۰۳) که در چارچوب نکاح قانونی و شرعی انجام نمی شود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۹۱).

با توجه به تعاریف ذکر شده از ازدواج سفید (هم باشی) و با توجه به اینکه این نوع باهم بودن در جامعه کنونی برای همگان واضح و روشن است، ازدواج سفید همان ویژگی های «نکاح الخدن» را دارد که به شدت مورد نکوهش و منع از سوی شارع مقدس قرار گرفته و مفسرین شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند.

ابن عاشور درباره خصوصیات این نوع ارتباط (نکاح خدن) می نویسد: این ازدواج با نکاح قانونی از چند جهت متفاوت است: ۱. نکاح امری آشکار است درحالی که این نوع رابطه امری پنهانی است؛ ۲. در نکاح خدن، (اگر منجر به فرزندآوری شود)، کسی مسئولیت آن فرزند را به عهده نمی گیرد؛ ۳. در نبودن مروت است؛ یعنی اینکه در روابط پنهانی، مروت و جوانمردی رعایت نمی شود و مشکلاتی اگر ایجاد شود کسی از طرفین بر عهده نمی گیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۹۴).

۲. آیه ۵ سوره مائده

در این آیه نیز خداوند به مسأله اتخاذ اخدان اشاره کرده، می فرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است. و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و پاکدامن باشید نه زناکار و رقیق باز و هر کس به ایمان (دین اسلام) کافر شود عمل او تباه شده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

این آیه، پنجمین آیه از سوره مائده است. سوره مائده از جمله سور مدنی است که پس از سوره فتح و در حجة الوداع نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۴۱). آیه درباره نحوه ازدواج با زنان اهل کتاب نازل شده است. البته بنا بر نظر مفسران شیعه، مقصود، ازدواج موقت است؛ زیرا ازدواج دائم با زنان اهل کتاب جایز نیست (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۲۸۲).

دیدگاه‌های تفسیری آیه

در این آیه اشاره به محصنات اهل کتاب شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «متعین این است که مراد از محصنات، زنان پاکدامن و عقیف اهل کتاب است.» ایشان در ادامه اشاره دارند به این مطلب که باید «کام‌گیری از زنان اهل کتاب به طریق احسان باشد، نه به طریق مسافحه و زنا و رفیق‌بازی؛ پس از این بیان نتیجه می‌گیرند که آنچه خدای تعالی از زنان یهود و نصارا برای مؤمنین حلال کرده آمیزش از راه نکاح با مهر و اجرت است، نه نکاح با زنا» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۳۱).

در این آیه شرایطی برای ازدواج بیان شده و مانند آیه ۲۵ سوره نساء، از رابطه «خدن» نهی شده است. همان‌گونه که در تحلیل آیه ۲۵ سوره نساء گفته شد، مقصود از «خدن»، دوستی پنهانی برای روابط نامشروع (طبرسی، همان، ج ۳، ص ۲۵۲) و زنا در پنهان در برابر زنا آشکار است (رازی، همان، ج ۱۱، ص ۲۹۵) و خداوند مردان را از اتخاذ اخدان (گرفتن دوست دختر) منع می‌کند. در آیه ۵ سوره مائده، نکاتی قابل توجه است؛ مانند: ۱. وجود لای نافییه مبین ممنوعیت موضوع است؛ (صافی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۲۸۱) یعنی مسلمانان از گرفتن دوست پنهانی (اتخاذ اخدان) منع شده‌اند؛ ۲. «متخذی اخدان» ممکن است مجرور باشد و عطف بر «مسافحین» که در این صورت «لا» زائده و برای تأکید نفی‌ای است که از کلمه «غیر» استفاده شده و احتمال دارد که منصوب باشد و عطف بر «غیر مسافحین» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۳۹). در هر صورت ارتباط با زنان اهل کتاب را چه به صورت زنا آشکار و یا دوستی پنهانی ممنوع ساخته است؛ ۳. بیان عقوبت سخت و سنگین مانند حبس و زیان اخروی برای متخلفان، نیز بیانگر شدت زشتی این کار است (رفیعی موحد، ۱۲۹۴، ص ۱۲۴).

علاوه بر موارد ذکر شده، تکرار نهی از اتخاذ اخدان که ذیل موضوع ازدواج در هر دو آیه آمده، نشانه ممنوع بودن این ارتباط است. این حکم از نظر زمانی مطلق است و امروز نیز که با عنوان

«ازدواج سفید» از آن یاد می‌شود، در حقیقت همان موضوع به شکل جدیدی عرضه شده که مشمول حرمتی می‌شود که در آیات مورد بحث آمده است

د. ارتباط اتخاذ اخدان با فحشای پنهان

در تعریف نکاح خدن گفته شد که این نوع نکاح به صورت پنهان انجام می‌شد. طبق آیه ۱۵۱ سوره بقره که می‌فرماید: «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ»، از فحشای باطنی به صراحت نهی شده است؛ بنابراین «اتخاذ اخدان» با فحشای باطنی تناسب دارد. این تناسب از سخن بعضی از مفسرین که شأن نزول آیات مذکور را مربوط به رفتار مردم زمان جاهلیت در مورد زنان پنهان می‌دانند به دست می‌آید (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۹۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۹۴) در این آیه اگر چه کلمه «الفواحش» ترکیبی از «ال» استغراق و کلمه جمع «فواحش» است، که شامل انواع رفتارهای نادرست اخلاقی می‌شود؛ اما برای تأکید، به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم شده است. این نهی شامل رابطه نامشروع آشکار و پنهان نیز می‌باشد.

۱. آیات ۲۰ و ۲۱ سوره نساء

از جمله آیات قرآن که دلالت بر بطلان ازدواج سفید دارد، آیات ۲۰ و ۲۱ سوره نساء است. خداوند در این دو آیه می‌فرماید: «وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»؛ «و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟! و (از این گذشته) آنها (هنگام ازدواج) از شما پیمان محکمی گرفته‌اند!»

پیش از اسلام رسم بر این بود که اگر می‌خواستند همسر سابق را طلاق دهند و ازدواج جدیدی داشته باشند؛ برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کردند و بر او سخت می‌گرفتند؛ تا حاضر شود مهر خویش را که معمولاً قبلاً دریافت می‌شد بپردازد و طلاق گیرد و همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دادند. در این آیات به شدت از این کار زشت نهی شده و آن را مورد نکوهش قرار می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۲۲).

دیدگاه‌های تفسیری آیه

در تفسیر صافی، ذیل این آیه به روایاتی اشاره شده که در آن روایات، منظور از میثاق غلیظ، الفاظی است که با آن عقد نکاح جاری می‌شود (صافی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۴).

«برید بن معاویه عجلی» می‌گوید: از امام باقر علیه السلام راجع به تفسیر عبارت «وَأُخِذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» پرسیدم امام فرمود: «الميثاق هي الكلمة التي عقد بها النكاح» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۵۶۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۶۲)؛ میثاق همان کلمه‌ای است که با آن نکاح واقع می‌شود.

گروهی از فقها با توجه به معتبر بودن روایت مذکور، لزوم صیغه عقد در نکاح را نتیجه گرفته‌اند. آیت الله خویی در این مورد می‌نویسد: این روایت بر اعتبار لفظ و نیز عدم کفایت رضایت قلبی، بلکه بر عدم کفایت تلفظ به غیر الفاظ معین، دلالت واضحی دارد. (خویی، همان، ج ۳۳، ص ۱۲۹) در مورد ارتباط این آیه با ازدواج سفید، سه دلیل اقامه می‌شود:

اول: سنت شکنی در امر ازدواج

در آیه مذکور، عبارت «میثاق غلیظ» اشاره به عقد ازدواج دارد که یکی از سنت‌های الهی در امر ازدواج است. در این آیه، خداوند رفتار کسانی که به بهانه ارتکاب اعمال منافی عفت زنان، آنان را بدون پرداخت مهریه طلاق می‌دادند را مورد نکوهش قرار داده است. این اقدام ناپسند آنان در حقیقت سنت شکنی در ازدواج بود (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۶). در ازدواج سفید که نه عقدی صورت می‌گیرد و نه مهری پرداخت می‌شود و با این عمل، سنت اجتماعی و مقبول ازدواج دچار خدشه شده و هرج و مرج جنسی در جامعه اتفاق می‌افتد؛ به طریق اولی سنت شکنی در امر ازدواج است که در حقیقت نمی‌توان بر آن نام ازدواج نهاد و نوعی هم‌باشی است از این رو، می‌تواند به قیاس اولویت ازدواج سفید را از مصادیق ممنوعه این آیه است.

دوم: فقدان عهد و پیمان

هرگونه عقد و قراردادی نیازمند شرایط خاص مربوط به خود بوده که باید رعایت شود و در صورتی که طرفین آن را رعایت نکنند، صحت عقد، دچار مشکل شده و حتی باطل می‌شود. در مورد عقد نکاح نیز شرایطی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عهد و پیمان بستن از طریق ایجاب و قبول است. ایجاب و قبول، از مهم‌ترین شرایطی است که در خصوص نحوه اظهار اراده در عقد ازدواج وجود

دارد، که از طرف زن و مرد، برای عقد نکاح به عمل می‌آید. از نظر فقها نیز ایجاب و قبول در نکاح شرط است. از نظر محقق حلی، نکاح به ایجاب و قبولی نیاز دارد که دلالت بر عقد داشته باشد و هر نوع احتمال را برطرف کند (محقق حلی، ۱۳۱۸، ج ۲، ص ۲). در همین زمینه بعضی از فقها با تأیید شرط ایجاب و قبول در نکاح، بر ضرورت لفظی بودن آن تأکید دارند؛ به گونه‌ای که نکاح بدون صیغه را سفاح (زنا) خوانده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۷۸). آنان حتی کتابت را در قصد انشاء کافی نمی‌دانند و لفظ را در عقد نکاح لازم می‌دانند؛ محقق کرکی در بیان علت کافی نبودن کتابت در قصد انشاء در عقد نکاح می‌نویسد: «الکتابة کنایة و النکاح لایقع بالکنایات» (کرکی، ۱۴۱۴، ص ۷۷). بنابراین فقها به دنبال راهی برای اعلام صریح قصد باطنی هستند. به همین دلیل لفظ را بر کتابت ترجیح می‌دهند. چراکه کتابت را صریح در قصد نمی‌دانند.

بنابراین با توجه به این که «میثاق غلیظ» در آیه به اعتبار الفاظ، در عقد نکاح تفسیر شده و تلفظ به غیر الفاظ معین ناکافی و غیر معتبر دانسته شده؛ پس به طریق اولی فقدان عهد و پیمان در این نوع ازدواج (ازدواج سفید)، را سبب نا اعتباری چنین ازدواجی می‌دانند..

سوم: فقدان ایجاب و قبول لفظی

فقها برای ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح به روایاتی استناد کرده‌اند که در اینجا به یک نمونه از آن روایات اشاره می‌شود. در روایت خالد بن حجاج از امام صادق علیه السلام آمده است: از امام پرسیدم: «مردی می‌آید و می‌گوید: این پارچه را بخر و به تو چنین و چنان سود می‌دهم. امام فرمود: آیا این طور نیست که اگر خواست ترک می‌کند و اگر خواست می‌گیرد؟ گفتم: آری، چنین است. امام فرمود: «لا بأس به إنّما یحلّ الکلام و یحرّم الکلام.» (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۵۰). مانعی ندارد، همانا این کلام است که حلال می‌کند و این کلام است که حرام می‌نماید.

در کتاب العناوین الفقهیه آمده است: «در این روایت، امام با توجه به کلمه انما که افاده حصر می‌کند؛ فقط کلام را محلّل و محرّم نامیده است و غیر آن را بی‌اثر می‌داند. از سوی دیگر اگرچه صدر روایت ناظر به باب بیع است، اما ذیل آن قاعده کلی به دست می‌دهد. بنابراین مفاد آن مسبّب یک قاعده کلی است و در تمامی عقود و ایقاعات، از جمله عقد نکاح، جریان می‌یابد. در نتیجه معاطات در عقود و از جمله عقد نکاح فاقد اثر است (مراغی حسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۸۸).

هرچند بعضی از فقها به این استدلال ایراد گرفته‌اند که پذیرفتن این روایت، تخصیص اکثر را لازم می‌آورد؛ زیرا در بسیاری از عقود، معاطات (بدون لفظ بودن عقد)، پذیرفته شده است (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۶۳) و برخی در نوع دلالت آن بر لزوم لفظ در بیع و یا غیر آن شش احتمال مطرح

کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۷۹-۸۰)؛ اما بدون شک دلالت روایت - که حلیت و حرمت را بر لفظ متکی دانسته - بر لزوم لفظ در مسئله نکاح تام است؛ علاوه بر آن که مشهور فقهای شیعه برای لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح، به اجماع تمسک کرده‌اند و مهم‌ترین و قابل اعتمادترین دلیل بر بی‌اعتباری نکاح معاطاتی و لزوم لفظی بودن عقد را اجماع فقها و سیره مسلمین دانسته‌اند (کمپانی اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۸۷؛ موسوی الخمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۸۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۱۵۶؛ انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۹) در فقه مذاهب اهل سنت نیز اعتبار ایجاب و قبول لفظی در نکاح، اجماعی است. چنانچه تصریح شده از نظر ائمه چهارگانه اهل سنت، نکاح با معاطات واقع نمی‌شود؛ به این صورت که طرفین عقد، چیزی از ایجاب و قبول را بر زبان نیاورند، بلکه بر مقدار معینی از مال رضایت دهند و آن را مرد یا وکیلش تحویل دهد و زن یا وکیلش قبض کند و خود را تسلیم مرد سازد (شافعی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۹؛ جزیری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۲-۱۴).

بنابراین مشهور قریب به اتفاق فقها معتقدند: ایقاع نکاح به معاطات، مخالف ارتکاز متشرعان و تسالم اصحاب است؛ بلکه در این مورد اختلافی نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۵۶؛ موسوی الخمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۹). حتی برخی، لزوم لفظی بودن عقد نکاح را ضروری دین نامیده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵، ص ۸۴). آیت الله مکارم شیرازی در مورد اهمیت این اجماع می‌گوید: «این اجماع را نباید دست کم گرفت؛ چون مدرک مهم دیگری که اجماع‌کنندگان به آن استناد کرده باشند، در دست نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۹).

در مورد ازدواج سفید گفته شد که در آن، ایجاب و قبول (نه به صورت لفظی و نه حتی غیر لفظی) انجام نمی‌شود و طرفین، بدون هیچ عقدی باهم هم‌خانه می‌شوند؛ حال آنکه با توجه به آیه و روایات تفسیری مرتبط با آن، شرط صحت عقد نکاح، ایجاب و قبول به صورت لفظی است.

با توجه به تعاریف ذکر شده از ازدواج سفید (هم‌باشی) و با توجه به اینکه این نوع باهم‌بودن در جامعه کنونی برای همگان واضح و روشن است، این نتیجه به دست می‌آید که: ۱. ازدواج سفید ویژگی‌های نکاح الخدن را دارد که به شدت مورد نکوهش و منع از سوی شارع مقدس قرار گرفته و مفسران شیعه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند؛ ۲. بین ازدواج سفید و ازدواج شرعی تناسبی وجود ندارد. از مقایسه این دو، نتایجی به دست آمده که به اهم آنها اشاره می‌شود:

یک. همه فقها معتقدند که با منعقدشدن نکاح، (حتی در نکاح معاطاتی برای کسانی مانند صادقی تهرانی که آن را صحیح می‌دانند) (صادقی تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱). زوجیت شرعی منعقد

می‌شود و در ازدواج دائم تنها طلاق است که امکان جدایی طرفین و قطع رابطه زناشویی را ایجاد می‌کند و طلاق هم نیازمند الفاظ مخصوص است و خاتمه عقد موقت نیز نیاز به اتمام زمان صیغه یا بذل مدت از جانب مرد دارد، اما در ازدواج سفید، طرفین، هیچ اعتقادی به طلاق نداشته و هرگاه یکی از طرفین یا هر دو احساس کنند که نمی‌توانند با یکدیگر به این زندگی ادامه دهند و یا علاقه‌مند به ادامه زندگی با فرد دیگری هستند، می‌توانند آزادانه و بدون طی کردن مراحل قانونی و شرعی طلاق، به زندگی مشترک خاتمه دهند (به‌پژوه، ۱۳۸۰، ص ۷۳).

دو. در ازدواج شرعی به محض انشاء زوجیت، مرد و زن، در قبال هم وظایف و مسئولیت‌هایی دارند که موظف به انجام آن هستند، مثلاً تمکین زن و عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر و... و مرد نیز به‌عنوان مدیر، وظیفه تأمین مخارج زندگی همسر و فرزندان و پرداخت نفقه و مسکن و پوشاک مناسب و... دارد، اما در ازدواج سفید یا همباشی، اصل بر عدم مسئولیت طرفین در قبال یکدیگر است.

سه. در نکاح شرعی (حتی در نکاح معاطاتی برای کسانی که آن را صحیح می‌دانند)؛ پس از جدایی، برای زنان غیر یائسه مقرراتی در نظر گرفته شده است و طرفین خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند؛ در حالی که در ازدواج سفید طرفین تعهدی نسبت به این مقررات ندارند.

در این جا لازم است به این نکته توجه شود که با وجود تفاوت‌های زیادی که ازدواج سفید با سایر ازدواج‌ها از جمله نکاح معاطاتی دارد و معمولاً هیچ‌کدام از شرایط آنها در ازدواج سفید رعایت نمی‌شود؛ نمی‌توان نظر کسانی که ازدواج سفید را به دلیل مشابهت آن با نکاح معاطاتی صحیح می‌دانند، پذیرفت؛ چراکه قائلان نکاح معاطاتی، همه شرایط نکاح ملفوظ را پذیرفته و تنها معتقدند که «فعل» می‌تواند جای «لفظ» را در نکاح - مثل سایر عقود - بگیرد.

نتیجه‌گیری

ازدواج سفید یک نوع ارتباط خارج از عرف و شرع است. در این نوع ارتباط، دو جنس مخالف زن و مرد، بدون عقد نکاح، باهم هم‌خانه می‌شوند. این پدیده که در سال‌های اخیر، در جوامع غربی و پس از آن در جوامع اسلامی مانند کشور جمهوری اسلامی ایران در حال رواج است، از نظر اسلام مردود می‌باشد. اگرچه این مسأله از مسایل جدید اجتماعی است؛ اما می‌توان ریشه آن را در دوران قبل از اسلام پیدا کرد. دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین ادیان و قرآن به‌عنوان مرجع علمی مسائل مرتبط با زندگی بشر، در این مورد دستوراتی را بیان کرده است.

در آیه ۲۵ سوره نساء و آیه ۵ سوره مائده، به نکاح الخدن اشاره شده و از برقراری این نوع ارتباط به شدت منع شده است. شباهت زیاد ازدواج سفید با نکاح الخدن، دستور اسلام را در این مورد روشن می‌نماید. با توجه به آیات دیگر قرآن مانند آیه ۲۱ و ۲۲ سوره نساء و شأن نزول آن آیات و با استفاده از قاعده الغای خصوصیت، حرمت ازدواج سفید یا هم‌باشی روشن می‌شود.

منابع و مأخذ

❖ قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن عاشور، محمد طاهرین محمد، التحریر و التنویر، لبنان: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل ابن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، چاپ دوم، مصر: مکتبه المصطفی البابی المجلسی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۶. احمدی، کامیل، خانه‌ای بر روی آب (پژوهشی جامع در باب ازدواج موقت در ایران)، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۹۷ق.
۷. اسدی نسب، محمد علی، مبانی قرآن شناختی علم دینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۴۰۱ق.
۸. ارجمند دانش، جعفر، آیتی، سید محمد رضا، عربیان، اصغر، ماهیت، مشروعیت و آثار ازدواج سفید، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷ش.
۹. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، قم، کنگره دویستمین سالگرد تولد شیخ مرتضی انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۰. -----، کتاب المکاسب، قم: مؤسسه باقری، ۱۴۲۰ق.
۱۱. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۱۲. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، ج ۲۳، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
۱۳. برازش، علی رضا، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۹۴ش.

۱۴. جرجانی، علی بن محمد، تعریفات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۱۵. جزیری، عبد الرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، قاهره، بی نا، ۱۳۹۲ق.
۱۶. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۷. جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح فی اللغة، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۹. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام، تهران: نوید، ۱۴۰۴ق.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم، مبانی فی شرح العروة الوثقی، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.

۲۵

قرآن پژوهی

تحلیل مستندات قرآنی حرمت ازدواج سفید

۲۱. رازی، فخرالدین، تفسیر الکبیر، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. رفیعی موحد، مهدی، بررسی تفسیری اتخاذ اخدان در آیات قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۲۲، ۱۳۹۴ش.
۲۴. زحیلی، وهبة المصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۲۵. شافعی، ابوالعباس احمد بن عمر، احکام الزواج علی المذاهب الاربعه، ۱۴۰۶ق.
۲۶. شیر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۲ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، رساله نوین، تهران: انتشارات امید فردا، ۱۳۸۴ش.
۲۸. صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق: دارالرشید، ۱۴۱۷ق.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۳۰. -----، تفسیر المیزان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۳۱. طبری، ابوجعفر محمد ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان، قم: مکتبه آیه الله النجفی مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. -----، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی، ۱۴۰۳ق.
۳۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

۳۵. طوسى، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. -----، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۴۰۰ ق.
۳۷. فضل الله، محمد حسين، تفسير من وحي القرآن، بيروت: انتشارات دارالملاك، ۱۴۱۹ ق.
۳۸. فراهيدى، خليل ابن احمد، كتاب العين، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، قم: دارالكتاب، ۱۳۶۷ ق.
۴۰. قرشى بنايى، على اكبر، قاموس قرآن، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. قرطبى، محمد ابن احمد، الجامع لاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۴۲. كركى، نورالدين على بن حسين، جامع المقاصد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۴ ق.
۴۳. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ ش.
۴۴. كمپانى اصفهانى، محمد حسين، حاشيه كتاب المكاسب، قم: أنوار الهدى، ۱۴۱۸ ق.
۴۵. كياهراسى، على بن محمد، احكام القرآن (كياهراسى)، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون، ۱۴۲۲ ق.
۴۶. محقق حلى، جعفر بن حسن بن يحيى، المختصر النافع فى فقه الاماميه، قم: مؤسسه مطبوعات دينى، ۱۳۱۸ ق.
۴۷. مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸ ش.
۴۸. مراغى حسينى، مير عبدالفتاح، العناوين الفقهيّة، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. مكارم شيرازى، ناصر، انوار الفقاهه، كتاب النكاح، قم: انتشارات مدرسه امام على عليه السلام، ۱۴۲۵ ق.
۵۰. -----، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۷۱ ش.
۵۱. -----، كتاب النكاح (فارسي)، محقق و مصحح: محمدرضا حامدى و مسعود مكارم، قم: انتشارات مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، ۱۴۲۴ ق.

۵۲. گروه نویسندگان، منشور مرجعیت قرآن کریم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۳۹۹ش.

۵۳. موسوی خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، قم: دارالعلم، ۱۹۸۶ق.

۵۴. -----، كتاب البيع، تهران: مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.

۵۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشيعة، قم: آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۵ق.

۵۶. نوری، یحیی، اسلام و عقائد بشری یا جاهلیت و اسلام، چ هشتم، تهران: انتشارات مجمع تحقیقات اسلامی، ۱۳۵۴ق.

۵۷. وکیلی، الهه، نگرش تطبیقی زن در آیینه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.

۵۸. وبگاه واژه نامه های آکسفورد، وابسته به انتشارات دانشگاه آکسفورد.